

روش‌های تأدیب کودک از نظر فقه و روان‌شناسی*

□ ابوذری صانعی***

چکیده

تأدیب با توجه به موارد کاربرد آن نزد فقیهان برای دو معنا استعمال شده است. «تربیت همراه با تنبیه»، به عنوان وظیفه والدین و معلم یا «تأدیب مترادف». با تعزیر، با توجه به این نکته، سؤال اصلی این پژوهش در مورد شیوه‌های اجرای تأدیب کودک به جهت ارتکاب جرم و یا هنجارشکنی اخلاقی از دیدگاه فقه و روان‌شناسی است که بعد از واکاوی دیدگاه‌های فقیهان، مشخص شد که دو نظریه عمده در مورد شیوه اجرای تعزیر وجود دارد: انحصار اجرای تأدیب به ضرب با تازیانه و عدم انحصار آن. از نظر این پژوهش، دیدگاه اول پذیرفتنی نیست؛ زیرا روایات مورد بحث، تنها به مصداق شایع تنبیه اشاره داشته و هیچ‌کدام از فقیهان هم به صراحت، مصادیق دیگر تعزیر را نفی نکرده‌اند. اما عمده مباحث «شیوه‌های اجرای تنبیه در روان‌شناسی» را می‌توان در بحث از تغییر رفتار و شیوه‌های منفی و مثبت کاهش رفتار نامطلوب (مانند تنبیه، جریمه کردن و جبران نمودن)، بررسی نمود که از نظر این پژوهش، هر دو شیوه در بحث تعزیر و تأدیب کودک کارایی دارد. **کلیدواژه‌ها:** کودک، تعزیر، تأدیب، تنبیه، شیوه‌ها.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۷/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۹/۱۵.

** استادیار دانشگاه عدالت (Sanei1493@gmail.com)

مقدمه

در فقه امامیه، تنبیه کودک در قالب دو فرع فقهی تعزیر و تأدیب بیان شده و متولی اجرای آن دو، مأمور شده است تا با حفظ شرایطی (مانند توجه به سن و تناسب تنبیه با جرم و اشتباه کودک)، از تکرار جرم و هنجارشکنی او در آینده جلوگیری نماید (خویی، ۱۴۲۲: ۴۱۲؛ جعفری، ۱۴۱۹: ۲۸۷). دست‌یافتن به این اهداف، نیازمند شناخت شرایط اجرای تعزیر و تأدیب کودک است؛ چرا که در صورت تخلف از این شرایط، چه بسا اغراض شخصی و تشفی خاطر در تنبیه کودک راه یابد. با توجه به این مطلب، سؤالی که اکنون به ذهن می‌رسد، در مورد شیوه‌های اجرای تعزیر و تأدیب کودک در نظام تربیتی و حقوق جزایی اسلام است. در حقیقت، ضرورت شناخت شیوه‌های اجرای این دو نوع تنبیه و توجه به آثار تربیتی آنها، ایجاب می‌کند تا نویسنده برای پاسخ به سؤال‌های زیر به بررسی دیدگاه‌ها و ادله فقیهان و روان‌شناسان بپردازد.

منظور از تعزیر و تأدیب کودک چیست؟

آیا تعزیر و تأدیب کودک، منحصر به شلاق و تنبیه بدنی است یا اینکه به لحاظ فقهی و روان‌شناسی، اعم از ضرب بوده و شامل تهدید، توهین، سرزنش، محرومیت، جریمه کردن و... می‌شود؟
ادله و مستندات فقیهان و روان‌شناسان در مورد شیوه‌های اجرای تأدیب و تعزیر کودک چیست؟

مفاهیم و کلیات

برای تبیین شیوه‌های تعزیر و تأدیب کودک، نخست به بیان برخی از مفاهیم مورد بحث پرداخته می‌شود، تا در نهایت بتوان با شناخت دقیق عنوان پژوهش، به بیان شیوه‌های تعزیر و تأدیب کودک و سپس مستندات فقهی آنها پرداخت.

الف) تنبیه

تنبیه، واژه‌ای عربی است که از باب «تفعیل» و از ماده «نبه» به معنای برخاستن و بیدار

شدن از خواب و آگاهی پس از غفلت آمده است (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۵۹؛ نفیسی، ۱۳۴۳: ۲/ ۹۷۷). برای مثال؛ علامه دهخدا گفته است: تنبیه به معنای بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی، بیدار نمودن، آگاهانیدن، بیداری از خواب، آگاهی پس از غفلت و آگاه گرداندگی، آگاه و هشیار کردن، دلالت کردن بر چیزی که از آن غافل باشد، پند و نصیحت، ملامت و سرزنش، سیاست و عقوبت و مجازاً در عرف به معنای زدن آمده است. همچنین وی تنبیه کردن را به معنای چوب زدن و کتک زدن و تنبیه شدن را آگاه شدن و بیدار شدن از غفلت، معنا نموده است (دهخدا، ۱۳۴۳: ۹۸۷ - ۹۸۶). به نظر می‌رسد، اصل معنای تنبیه، همان متوجه ساختن و هشیار کردن است و اگر به معانی دیگری - مانند سرزنش، نصیحت و عقوبت - آمده، به این سبب است که در آنها نوعی متوجه ساختن و هشیار نمودن وجود دارد. اما تنبیه در اصطلاح، حذف پاسخ مثبت از ارگانسیم و یا اضافه کردن پاسخ منفی به آن است که در نتیجه، زمانی رخ می‌دهد که پاسخ مثبتی را از یک موقعیت حذف و یا چیزی منفی به آن بیفزاییم (سیف، ۱۳۷۷: ۳۳۰).

در فقه می‌توان تنبیه را با توجه به اختیار و عدم اختیار حاکم یا والدین و مربی در تعیین نوع، میزان و کیفیت اجرای آن به حدود، قصاص، دیات، تعزیر و تأدیبات، تقسیم نمود که در اینجا برای تبیین جایگاه موضوع پژوهش به صورت مختصر به تعریف و تبیین واژه‌های تعزیر و تأدیبات و برخی از تفاوت‌های این دو واژه پرداخته می‌شود.

ب) مفهوم تعزیر

در لغت برای واژه تعزیر بیش از دوازده معنا (تأدیبات، سرزنش، زدن کمتر از حد، اجبار بر انجام عمل، ضرب شدید، ردع و منع، بزرگ‌دانستن و ادای احترام نسبت به فرد)، ذکر شده است که بعد از بررسی و دقت در این معانی معلوم می‌گردد که معنای اصلی این واژه ردع و منع است که سایر معانی به آن بر می‌گردد؛ زیرا مجرم با اجرای تعزیر از انجام و تکرار جرم منع می‌گردد (زبیدی، ۱۴۱۴: ۷/ ۲۱۲ - ۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۶: ۹/ ۱۸۴؛ فیومی، ۱۴۰۵: ۲/ ۴۰۶). اما تعزیر در اصطلاح به عقوبتی گفته می‌شود که شارع برای آن اندازه‌ای معین نکرده و تعیین آن

به دست حاکم شرع است که البته نباید از مقدار حد تجاوز نمود (صدر، ۱۴۲۰: ۱۱۶ / ۹؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۶؛ نجفی، ۱۳۰۸: ۴۱ / ۲۵۵).

ج) مفهوم تأدیب

واژه تأدیب در لغت به معنای تعلیم و تربیت، خواستن (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱ / ۲۰۶؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴ / ۱۴۷)، مجازات کردن و کیفر دادن آمده است (طریحی، ۱۴۱۶: ۵ / ۲؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۲۰۳ / ۱). به عبارتی دیگر: تأدیب به معنای دعوت افراد به سوی خیرات و نیکی‌ها و در مورد عقوبت و مجازات نمودن فرد خطاکار و عاصی هم به کار رفته است. با توجه به این مطلب، اگر فردی را به دلیل انجام عمل ناپسندی مجازات نمایند، می‌گویند او را ادب کرده‌اند؛ زیرا مجازات سبب شده است تا فرد به حقیقت ادب که عمل به محاسن اخلاق و دوری از زشتی‌های رفتار است، رهنمون گردد (فیومی، ۱۴۰۵: ۱ / ۹). اما این واژه با توجه به موارد کاربرد آن نزد فقها برای دو معنا به کار گرفته شده است:

۱. تربیت همراه با تنبیه به عنوان وظیفه والدین در قبال فرزندان و معلم در قبال متعلم (طباطبایی، ۱۴۲۳: ۳۵۹؛ قمی، ۱۴۰۶: ۳۱۰).

۲. مترادف با تعزیر (حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۲۳: ۱۰ / ۹۰).

در این مقاله هر دو معنای این واژه، یعنی در حوزه‌های تعلیم و تربیت و حقوق جزایی اسلام مورد بحث واقع شده است.

د) تفاوت‌های تعزیر و تأدیب

تنبیه، واژه عامی است که شامل تأدیب، تعزیر و سایر مصادیق مجازات می‌شود. اکنون برای شناخت دقیق این دو واژه که مورد بحث واقع شده است، به بیان برخی از تفاوت‌های آنها که موجب تمیز این دو عنوان فقهی از هم شده، پرداخته می‌شود.

۱. تفاوت در کیفیت: تأدیب در کیفیت، تنبیهی سبک و خفیف است که با رفق و مدارا همراه می‌باشد، اما ملاک در تعزیر، متنبه شدن کودک است که در آن، شدت ضرب باید به

گونه‌ای باشد که متوجه اشتباهش شود و همچنین نباید بیش از توان کودک و به اندازه افراد مکلف تعزیر شود (شاملی، ۱۳۹۰: ۷۳-۸۷).

۲. تفاوت در ضارب و مضروب: تأدیب وظیفه ولی یا معلم نسبت به کودک، مولا نسبت به عبد و زوج نسبت به همسر است، اما تعزیر با اذن حاکم نسبت به عموم افراد جاری می‌شود. البته برخی، ولایت در اعمال تعزیر کودک را برای ولی هم جایز دانسته‌اند که در ادامه بررسی خواهد شد (همان: ۷۸).

۳. تفاوت در شمول موارد جواز تنبیه: تعزیر تنها در برابر انجام فعل حرام صورت می‌پذیرد، ولی دایره شمول تأدیب وسیع‌تر است، به نحوی که می‌توان کودک را برای ارتکاب فعل حرام و غیر آن تنبیه کرد (همان).

شیوه‌های تأدیب کودک از نظر فقه

بحث از شیوه‌های فقهی تأدیب کودک بزهکار و یا هنجارشکن در مسائل اخلاقی و عرفی، می‌تواند مبنای مشروعیت استفاده متولیان اجرای آنها را به هنگام انتخاب برخی روش‌های تغییر رفتار نامطلوب، روشن نماید. اکنون با توجه به این مطلب، به بیان اهم دیدگاه‌های فقیهان و ادله ایشان در این باره می‌پردازیم:

الف) انحصار اجرای تعزیر و تأدیب به ضرب

ظاهر عبارت برخی از فقهای شیعه (حلی، ۱۴۰۸: ۴/۱۵۵؛ نجفی، ۱۳۰۸: ۴۱/۴۸۸) و یا روایاتی که در مورد تعزیر و حتی تأدیب کودک در امور اخلاقی و عرفی وجود دارد (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۷۳)، حاکی از این مطلب است که تعزیر و تأدیب، منحصر به ضرب است. مستند این انحصار ادله گوناگونی است که در اینجا، تعدادی از آنها را ذکر می‌کنیم.

دلیل اول: مضمون برخی روایات

مضمون برخی از روایاتی که در باب تعزیرات آمده، گاه با تعیین مقدار آن به عددیایی مانند

سه، پنج و شش ضربه یا با استعمال الفاظی مانند ضرب، جلد و سوط، دلالت بر انحصار تعزیر به ضرب با تازیانه دارد که اکنون به بیان برخی از این احادیث پرداخته می‌پردازیم.

روایت اول:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ التَّعْزِيرِ كَمْ هُوَ؟ قَالَ: بِضْعَةَ عَشْرَ سَوْطًا مَا بَيْنَ الْعَشْرَةِ إِلَى الْعِشْرِينَ؛ اسحاق بن عمار از امام صادق عليه السلام در مورد تعزیر پرسید که اندازه آنچه مقدار است؟ حضرت فرمود: تعزیر ده عدد و خرده‌ای تازیانه، ما بین ده تا بیست عدد است (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۲۴۰).

روایت دوم:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي آدَبِ الصَّبِيِّ وَالْمَمْلُوكِ فَقَالَ خَمْسَةٌ أَوْ سِتَّةٌ وَارْتُقُ؛ حماد بن عثمان می‌گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد مقدار تأدیب صبی و برده سؤال کردم. حضرت فرمود: پنج یا شش ضربه و نرمی کن (همان، ۷/۲۶۷).

بررسی سندی: سند روایت اول صحیح است و مراد از اسحاق بن عمار هم اسحاق صیرفی است که فردی ثقة و مورد اعتماد در نقل حدیث می‌باشد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۷۱). اما روایت دوم از حیث سند ضعیف است؛ زیرا معلى بن محمد که در سند حدیث قرار دارد، برخی مانند نجاشی او را مضطرب الحدیث و المذهب دانسته‌اند (همان: ۴۱۸). البته در این میان برخی هم مانند آیت‌الله خویی رحمته الله می‌گویند: ظاهر این است که معلى بن محمد، ثقة و مورد اعتماد در نقل حدیث است و قول نجاشی هم در اضطراب وی مانع از وثاقتش نیست. در نتیجه این روایت معتبر است (خویی، ۱۳۷۲: ۱۹/۲۸۰).

وجه استدلال: در این دو روایت، سؤال‌های اسحاق بن عمار و حماد بن عثمان از اندازه تعزیر و حتی تأدیب کودک، نشان می‌دهد که در ذهن ایشان تعزیر و تأدیب منحصر به ضرب است، همان‌گونه که پاسخ امام جعفر صادق عليه السلام که تصریح به عدد و تازیانه می‌کند، بر انحصار تعزیر به ضرب با تازیانه دلالت دارد.

نقد و بررسی: نفی دلالت روایت اسحاق بن عمار و حماد بن عثمان برای انحصار تعزیر و تأدیب به ضرب با تازیانه، با چند اشکال مواجه است:

اشکال اول: مضمون روایت‌هایی که به طور خاص، بر ضرب با شلاق حکم می‌کنند، در صورتی مفید انحصار است که ادله مغایری در میان نباشد، در حالی که مخالفان انحصار، به روایت یا آیاتی استناد خواهند کرد که موجب اثبات مصادیق دیگر اجرای تعزیر خواهد شد.

اشکال دوم: این روایت‌ها اشاره به مصداق شایع و غالب شیوه تعزیر یا تأدیب کودک دارد که در آن زمان اجرا می‌شد یا در ذهن راوی بود. بنابراین تعیین مصداق، موجب نفی شکل‌های دیگر تعزیر و تأدیب نیست.

اشکال سوم: سؤال هر دو راوی از اندازه تعزیر (نه شکل‌های دیگر تعزیر) و تأدیب است که ناظر به ضرب با تازیانه می‌باشد، در نتیجه امام معصوم علیه السلام متناسب با نوع سؤال، به تعیین محدوده شرعی ضرب پرداخته است که این مطلب منافاتی با جواز شکل‌های اجرای دیگر تعزیر و تأدیب ندارد.

با توجه به اشکالات وارد بر استدلال به روایات مذکور معلوم می‌شود: تعزیر و تأدیب کودک منحصر به ضرب با تازیانه نیست و این دسته روایات تنها به مصداق شایع آن دو اشاره دارند.

دلیل دوم: اتفاق غالب فقیهان

ظاهر عبارت بسیاری از فقهای شیعه، حاکی از این مطلب است که واژه تعزیر و شاید تأدیب برای امور اخلاقی، تنها در معنای ضرب به وسیله تازیانه استعمال شده است (انصاری، ۱۳۸۵: ۲۱۱). اکنون به ذکر برخی از این اقوال و نقدهای وارد شده بر آنها خواهیم پرداخت:

قول اول: علامه حلی رحمته الله معتقد است: هر شخصی که کار حرامی به جا آورد یا واجبی را ترک کند، امام علیه السلام او را به مقداری که صلاح بداند تعزیر می‌کند که در مورد انسان‌های آزاد، نباید بیش از حد آزاد باشد و در مورد بردگان هم نباید بیش از حد شرعی ایشان باشد. کودک و عبد نیز به زیادتر از ده ضربه تازیانه تأدیب نمی‌گردند و مستحب است کسی که از

این مقدار تجاوز کرد، بنده آزاد کند (حلی، ۱۴۱۰: ۱۷۹/۲).

قول دوم: امام خمینی رحمته الله معتقد است: ظاهر آن است که مقدار تأدیب بستگی به نظر تأدیب‌کننده دارد. گاه مصلحت اقتضا می‌کند که کمتر از ده ضربه تازیانه زده شود و گاه مقتضای مصلحت بیش از آن است، ولی به هر حال تجاوز از آنچه مصلحت اقتضا می‌کند، جایز نیست (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۴۷۷/۲).

قول سوم: صاحب جواهر رحمته الله معتقد است: شخصی که کار حرامی انجام دهد یا واجبی را ترك کند که از کبائر محسوب می‌شود، امام معصوم علیه السلام او را به مقدار کمتر از حدود شرعی تعزیر می‌کند و مقدار تعزیر بسته به نظر امام [یا حاکم شرع] است، ولی در مورد انسان‌های آزاد، نباید بیش از حد آزاد باشد که آن صد ضربه شلاق است و در مورد بردگان هم نباید بیش از چهل ضربه شلاق باشد که حد شرعی ایشان است (نجفی، ۱۳۰۸: ۴۸۸/۴۱).

وجه استدلال: از کلام این فقهای بزرگ که سخن از صد، چهل و ده ضربه یا تفاوت بین حد عبد، بنده و گاه کودک به میان آورده‌اند، استفاده می‌شود که ایشان تعزیر را تنها منحصر در ضرب و جلد می‌دانند؛ زیرا شماره کردن به شکل فوق، در سایر مجازات‌ها معنا ندارد. **نقد و بررسی:** دلالت استدلال فوق بر انحصار شیوه اجرای تعزیر و تأدیب کودک به ضرب، با چند اشکال مواجه است:

اشکال اول: صاحب جواهر رحمته الله در پایان بحث روش‌های تعزیر، از نظریه نخست خود به دو دلیل برگشته و می‌گوید: می‌توان تعزیر را منحصر در شلاق ندانست و آن را به هر نوع مجازاتی گسترش داد، به دو دلیل: نخست روایاتی (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/۲۸) که برای تجاوز از هر قانون شرعی مجازاتی را لازم می‌شمرد، البته بنا بر اینکه منظور از مجازات در روایت‌های مذکور حدود شرعی نباشد. دوم: روایت‌های متعددی (همان: ۱۱/۲۸) که در مورد مصادیق مختلف تعزیر وجود دارد (نجفی، ۱۳۰۸: ۴۸۸/۴۱).

اشکال دوم: تمامی فقهای که انحصار به ضرب را بیان کرده‌اند، هیچ‌کدام به صراحت نفی مصادیق دیگر تعزیر نکرده‌اند، بلکه تنها به جهت شایع بودن مصداق ضرب، همین

شکل را مطرح نموده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲/۴۷۷؛ نجفی، ۱۳۰۸: ۴۱/۴۸۸؛ حلی، ۱۴۱۰: ۱۷۹/۲). برخی دیگر هم مانند، صاحب جواهر در پایان همان بحث، در انحصار به ضرب تردید کرده و معتقد به توسعه برای مصادیق تعزیر شده‌اند (نجفی، ۱۳۰۸: ۴۱/۴۸۸).
با توجه به اشکالات وارد بر استدلال فوق معلوم می‌شود: ادله انحصار تعزیر و تأدیب به ضرب با تازیانه تمام نیست؛ زیرا ضرب تنها یکی از مصادیق شایع اجرای این دو فرع فقهی است که فقیهان در کتب خود آن را مطرح نموده‌اند.

ب) تعمیم تعزیر و تأدیب بر سایر مصادیق مجازات و تنبیه

در مقابل نظریه انحصار تعزیر و تأدیب به ضرب با شلاق، فقیهانی معتقد به تعمیم تعزیر و حتی تأدیب به سایر مصادیق تنبیه و مجازات برای افراد بالغ و غیربالغ هستند. مانند علامه جعفری رحمته‌الله که در مورد گوناگونی حق تأدیب، انواع آن و انتخابش مطابق با روحیه کودک می‌گوید:

از ملاحظه مجموع مدارک در ابواب گوناگون فقه و حقوق اسلامی تأدیب‌های مختلفی مشاهده می‌شود که می‌توان تعیین آنها را مربوط به نظر حاکم دانست، یعنی حاکم بایستی وضع روانی و جسمانی و مقدار تاثیر تأدیب را در کودک تشخیص داده و مطابق آن عمل نماید. مثلاً کودکانی هستند که تهدید به حال آنان موثر نبوده و بایستی تلخی ضرب یا محرومیت از بعضی از خواسته نفسانی خود را بچشند. به همین جهت است که منابع اسلامی یک نوع خاص برای مقدار و کیفیت تأدیب و تنبیه در همه موارد مقرر نموده است (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹: ۲۸۷).

همچنین گفته شده:

حق تربیت طفل، متضمن اختیار تنبیه او نیز هست؛ زیرا تنها به وسیله منطق و عقل نمی‌توان در طفل حس احترام و اطاعت ایجاد نمود، بلکه باید در مواردی، از بیم تنبیه و در بعضی از مواقع، از خود تنبیه کمک خواست. البته تنبیه طفل برای آگاه کردن او به زشتی کاری است که او مرتکب شده و برای ایجاد پشیمانی در اوست، لذا در تنبیه باید دقت شود که مطابق با روحیه طفل باشد، از قبیل

نصیحت، سرزنش، بازداشت، کتک و امثال اینها تا طفل را به وسیله آن از تکرار آن عمل بازدارد (طاهری، ۱۴۱۸: ۳/۳۷۷).

فقیهان برای اثبات جواز تعمیم استعمال واژه تعزیر و تأدیبه بر سایر مصادیق تنبیه و مجازات، دلیل‌های گوناگونی برشمرده‌اند که در این جا، به ذکر تعدادی از این ادله پرداخته می‌شود.

دلیل اول: مفهوم لغوی تعزیر و تأدیبه

مهم‌ترین دلیل نظریه تعمیم تعزیر و تأدیبه به سایر مصادیق تنبیه و مجازات، استناد به مفهوم لغوی واژه‌های تعزیر و تأدیبه است (مکارم، ۱۴۲۵: ۷۰)، در توضیح این دو واژه گفته شد: اهل لغت برای واژه تعزیر بیش از دوازده معنا مانند رد و منع (زبیدی، ۱۴۱۴: ۷/۲۱۲ - ۲۱۴)؛ تأدیبه (فیومی، ۱۳۱۴: ۲/۴۰۶)؛ سرزنش و ملامت (زبیدی، ۱۴۱۴: ۷/۲۱۲ - ۲۱۴) و ضرب شدید (همان: ۱۸۴/۹) ذکر کرده‌اند که از مجموع معانی ذکر شده، برداشت شد که معنای اصلی این واژه همان معنای رد و منع است و سایر معانی هم از آن نشأت گرفته است. همچنین واژه تأدیبه در لغت به معنای تعلیم و تربیت، خواستن (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱/۲۰۶)، مجازات کردن و کیفر دادن، آمده است (بستانی، ۱۳۷۵: ۱/۲۰۳).

وجه استدلال: اگر معنای اصلی تعزیر را رد و منع بدانیم، باید گفت: اسباب و عوامل زیادی - مثل ضرب، توبیخ، محرومیت و تهدید - می‌تواند کودک مجرم را از تکرار جرم منع کند. همچنین اگر واژه تعزیر را به معنای یاری کردن بدانیم، در حقیقت با اجرای تعزیر، مجرم را برای تسلط بر خویشتن و جلوگیری از تکرار جرم، یاری کرده‌ایم که در این صورت باز مصادیق یاری کردن برای جلوگیری از تکرار جرم می‌تواند ضرب، تهدید، توبیخ و... باشد. با توجه به این مطلب، اگر اهل لغت واژه تعزیر را در معنای ضرب به کار برده‌اند، به لحاظ استعمال غالبی و مصداق شایع آن می‌باشد (مکارم، ۱۳۶۶: ۳۵). اما در مورد واژه تأدیبه که اگر آن را به معنای دعوت به سوی نیکی‌ها و فضیلت‌های اخلاقی بدانیم، باز باید گفت: اسباب دعوت به فضایل و محاسن رفتار می‌تواند به روش‌های گوناگونی باشد که در نتیجه، محدودیتی در مصادیق اجرای تعزیر و تأدیبه به حسب معنای لغوی وجود ندارد.

نقد و بررسی: دلالت استدلال فوق بر نظریه تعمیم شیوه اجرای تعزیر و تأدیباتی به سایر مصادیق تنبیه و مجازات با چند اشکال مواجه است:

اشکال اول: در مورد حجیت قول لغوی باید گفت: اگر از قول او یقین پیدا شود که به یقین خود عمل می‌کنیم، ولی اگر گمان‌آور باشد محل بحث است که آیا از ظنون خاصه است که دلیل خاص بر حجیت آن اقامه شده باشد یا از ظنون مطلقه بوده و تنها بر مبنای انسدادی حجت است (محمدی، ۱/ ۳۸۰).

اشکال دوم: تعیین معانی مختلف تعزیر و تأدیباتی به عهده اهل لغت است، اما اینکه بر اساس قول ایشان قائل به توسعه مصادیق تعزیر و تأدیباتی در حقوق کیفری اسلام شویم، به عهده مجتهد است.

با توجه به اشکالات وارد بر استدلال فوق، معلوم می‌شود: استناد به قول لغوی برای تعیین معانی مختلف تعزیر و تأدیباتی مفید است، ولی این دلیل توان اثبات توسعه مفهوم این دو عنوان به سایر مصادیق تنبیه و مجازات در حقوق کیفری اسلام را ندارد.

دلیل دوم: مصادیق مختلف اجرای تعزیر در روایات

روایات متعددی در باب تعزیرات در منابع حدیثی شیعه وجود دارد که در آنها، مصادیق مختلف اجرای تعزیر - مانند نهی از جرم، نصیحت و موعظه، حبس و آلوده نمودن لباس - استفاده شده است که این مطلب، حاکی از کثرت شیوه‌های تعزیر می‌باشد. اکنون به بیان برخی از این روایت‌ها و چگونگی استدلال به آنها می‌پردازیم:

روایت اول:

و عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَالَ الرَّجُلُ أَنْتَ خَيْبٌ أَوْ أَنْتَ خَنْزِيرٌ؛ فَلَيْسَ فِيهِ حَدٌّ وَ لَكِنْ فِيهِ مَوْعِظَةٌ وَ بَعْضُ الْعُقُوبَةِ؛ جراح مدائنی از امام جعفر صادق عليه السلام نقل می‌کند: اگر شخصی به دیگری بگوید: تو انسان پلیدی هستی یا بگوید: تو

حتی برای یک جرم می‌باشد. علاوه بر این، گاه رعایت تناسب جرم ارتكابی با نوع مجازات، موجب تعدد مصادیق تعزیر در اجرا شده است؛ مانند روایت سوم که واژه مخروئه در آن به معنای مدفوع انسان است و تناسب با جرم ارتكابی دارد؛ زیرا وقتی دو جنس مذکر در بستر واحدی می‌خوابند و قصد عمل زشت لواط را دارند باید به مدفوع انسان آلوده گردند تا تنفر شدیدی از آن برای‌شان حاصل شود و دیگر به دنبال آن نروند (مکارم، ۱۳۶۶: ۷۷).

با توجه به استدلال فوق، معلوم می‌شود: تعدد مصادیق اجرای مجازات تعزیری در روایت‌های مذکور حاکی از عدم انحصار اجرای آن به ضرب با تازیانه می‌باشد.

دلیل سوم: مصادیق مختلف اجرای تأدییب در کتاب و روایات

آیات و روایات متعددی در باب روش‌های تنبیه و حتی تأدییب کودک برای امور اخلاقی در قرآن کریم و منابع حدیثی شیعه وجود دارد که در آنها از مصادیق مختلف اجرای تنبیه و تأدییب - مانند قهر، برخورد تند و تهدید - استفاده شده است که این مطلب، حکایت از کثرت شیوه‌های تنبیه برای افراد بالغ و به طریق اولی برای نابالغ دارد. اکنون به بیان برخی از این آیات و روایات و چگونگی استدلال به آنها می‌پردازیم:

آیه اول:

وَ اللَّائِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ؛
آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفت‌شان بیم دارید، پند و اندرز دهید [و اگر موثر واقع نشد] در بستر از آنها دوری نمایید و [اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایف‌شان نبود] آنها را تنبیه کنید (نساء: ۳۴).

آیه دوم:

وَ اضْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا؛ و در برابر آنچه [دشمنان] می‌گویند، شکیبیا باش و به طرز شیسته از آنان دوری‌گزين (مزل: ۱۰).

روایت اول:

وَ عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ أَبِي نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ وَ مَعَهُ ابْنُهُ يَمْسِيهِ وَ الْإِبْنُ مُتَكَبِّرٌ عَلَى ذِرَاعِ الْأَبِ قَالَ فَمَا كَلَّمَهُ أَبِي مُقْتًا لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا؛ عبدالله بن سليمان صيرفی از امام محمد باقر ع نقل می‌کند: پدرم مردی را دید که همراه پسرش راه می‌رفتند، در حالی که پسر در راه رفتن بر بازوی پدرش تکیه کرده بود. پدرم دیگر به سبب تنفر از این رفتار پسر، تا زمان رحلتش با وی سخن نگفت (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸ / ۵۰۲).

روایت دوم:

وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَنَظَرَ إِلَيَّ بِوَجْهِ قَاطِبٍ فَقُلْتُ مَا الَّذِي غَيَّرَكَ لِي قَالَ الَّذِي غَيَّرَكَ لِأَخْوَانِكَ...؛ اسحاق بن عمار نقل می‌کند: نزد امام صادق ع رفتم و امام با چهره‌ای غضب‌آلود به من نگاه کرد. عرض کردم: چه چیزی نظر شما را نسبت به من عوض کرده است؟ فرمود: همان چیزی که رفتار تو را نسبت به برادران ایمانی عوض کرده است (همان: ۲۳۰ / ۱۲).

بررسی سندی: روایت اول صحیح و قابل استناد است. روایت دوم نیز هرچند عبدالله بن جبلة که فردی واقفی است، در میان راویان می‌باشد، ولی در نقل حدیث مورد اعتماد می‌باشد، پس حدیث موثقه است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۱۶).

وجه استدلال: آیه اول در مقام بیان مراتب اصلاح زن به پند و اندرز، قهر و دوری کردن و در نهایت تنبیه بدنی اشاره کرده است. همچنین در روایت اول و دوم با توسل به برخی از انواع تنبیه، مانند قهر و برخورد تند، به اصلاح رفتار نامطلوب پرداخته شده است. علاوه بر این، اگرچه خطاب تمامی مستندات - به جز روایت اول - در مورد شیوه‌های تنبیه افراد بالغ است، لکن از آنجایی که کودکان نیازمند رأفت بیشتری هستند، باید تعدد مصادیق تعزیر و تأدیب در حق ایشان هم اعمال گردد.

با توجه به استدلال فوق معلوم می‌شود: شیوه‌های اجرای تعزیر و تأدیب کودک، منحصر به ضرب با تازیانه نیست.

شیوه‌های روان‌شناختی تغییر رفتار نادرست کودک

عمده مباحث شیوه‌های اجرای تعزیر و تأدییب کودک بزهکار و هنجارشکن را در دانش روان‌شناسی می‌توان در بحث تغییر رفتار کودک و شیوه‌های کاهش رفتارهای نامطلوب، به صورت روش‌های مثبت یا منفی، بررسی کرد.

الف) روش‌های منفی کاهش رفتار

هدف اصلی روان‌شناسان تغییر رفتار، از به کار بردن روش‌های منفی کاهش رفتار، کاهش مستقیم رفتارهای نامطلوب می‌باشد. البته از آنجایی که این روش‌ها دارای عوارض جانبی هستند، به روش‌های تنبیهی هم شهرت یافته‌اند که اکنون به بیان مهم‌ترین آنها می‌پردازیم (سیف، ۱۳۷۷: ۳۳۰).

روش اول: تنبیه کردن

تنبیه عبارت است از: ارائه یک محرک آزاردهنده پس از انجام یک رفتار نامطلوب، به منظور کاهش نیرومندی رفتار نامطلوب. در حقیقت محرک آزاردهنده، همان محرکی است که خلاصی از آن باعث افزایش رفتار مطلوب و کاهش احتمال بروز پاسخ نامطلوب در آینده می‌شود (زارعی، ۱۳۸۷: ۹). در میان انواع تنبیه، شکل بدنی آن، یکی از روش‌های تربیتی در اصلاح رفتارهای نادرست کودک است که با توجه به پیامدهای آن، برخی به کلی منکر نقش تربیتی آن شده‌اند (اوزمن، ۱۳۷۹: ۲۱۵). برخی دیگر نیز آن را آخرین مرحله از مراحل تنبیه کودک دانسته و همواره سعی در به کار بردن سایر روش‌های تربیتی داشته‌اند (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۳). مثلاً ژان پیاژه که در مورد منع تنبیه بدنی کودک می‌گوید: کودک از چهار الی هفت سالگی از یک مرحله زندگی وارد مرحله دیگر می‌شود و این انتقال باعث دلهره، اضطراب و گاهی پرخاشگری او می‌گردد، بدین جهت باید از عصبانیت و تنبیه بدنی کودک پرهیز نمود و او را با محبت و استدلال با واقعیت‌های موجود آشنا کرد (دشتی، ۱۳۷۸: ۱۲۶). همچنین جان لاک از به کار بردن استدلال و منطق در تربیت کودکان طرفداری می‌کرد، بدین جهت استفاده

از روش تنبیه برای تربیت کودک، توصیه نمی‌کرد و عقیده داشت: کودکان، مستعد و فهمیده‌اند و فضیلتی وجود ندارد که باید برای آن برانگیخته شوند یا خطایی که از آن باز داشته شوند و نتوانند بر آن متقاعد شوند. وی در ادامه می‌گوید: تنبیه بدنی، بدترین روش تربیتی است، بدین جهت باید در اصلاح کودکان، آخرین وسیله و در آخرین مرحله به کار رود و قبل از اقدام به تنبیه بدنی باید راه‌های ملایم‌تر به کار برده شود. وی معتقد است: برای اصلاح و تربیت کودک، بسیار کم به سبلی نیاز خواهد بود؛ زیرا همواره کودک از دستور پدرش سرپیچی نمی‌کند، البته منع کردن از بعضی کارهای زشت که کودکان در آن مستعد خیره‌سری می‌باشند، ممکن است آنها را مستحق تنبیه بدنی بسازد (کرمی، ۱۳۸۵: ۷۱-۷۲).

با توجه به نظریه دانشمندان، می‌توان ادعا کرد: تنبیه به شکل‌های تعزیر و تأدیب، البته به وسیله شلاق یا هر ابزار دیگر، باید آخرین روش تربیتی و اصلاحی کودک باشد.

روش دوم: خاموشی

خاموشی، فرایندی است که طی آن، رفتاری که قبلاً تقویت شده برای مدتی تقویت نمی‌گردد که در نتیجه بعد از مدتی، از شدت صدور آن رفتار کاسته شده و به توقف کامل منجر می‌گردد (سیف، ۱۳۷۷: ۳۳۰). حال چنانچه خاموشی یک رفتار نامطلوب، همراه با تقویت رفتار مطلوب به کار رود، به مراتب روش خاموشی مؤثرتر و اثر بخش‌تر خواهد بود. برای مثال: کودکی که به علت دشنام دادن بیش از حد مورد شکایت والدینش قرار گرفته و پدر بعد از تحقیق، علت دشنام‌دهی او را لجاجت بیش از اندازه وی کشف کرده است، در این صورت بهترین روش تأدیب با توجه به سن پایین و عدم درک صحیح کودک، عدم توجه به دشنام‌دهی او و تقویت کردن حرف‌های خوب او می‌باشد.

روش سوم: محرومیت

در این روش به دلیل رفتار نامطلوبی که از کودک سرزده، او را برای مدتی از دریافت تقویت (پاداش) محروم خواهند کرد (همان: ۴۵۹). شاید بتوان گفت: بهترین روش تعزیر و تأدیب

کودک بزه‌کار و هنجارشکن در مسائل اخلاقی و عرفی، محروم‌سازی او از محلی باشد که در آن تقویت شده است. مانند کودکی که به علت تقویت شدن از طرف دوستانش در مدرسه‌ای دست به عمل خلاف شرع زده است، باید برای مدتی به مدرسه دیگری انتقال داده شود. در غیر این صورت، ممکن است این روش نتیجه عکس بدهد و باعث افزایش رفتار نامطلوب گردد.

روش چهارم: جریمه کردن

در این روش، مقداری از تقویت‌های کودک به دلیل رفتار نامطلوبش کم می‌گردد (زارعی، ۱۳۷۷: ۹)؛ مانند کم کردن پول تو جیبی برای کودکی که وسایل مدرسه دوستش را به عمد خراب کرده یا کم کردن حقوق کارمندی که از قوانین اداره تخلف نموده است، می‌تواند نقش تربیتی سازنده‌ای برای ایشان داشته باشد. شرط استفاده از این روش این است که کودک برای مدتی تقویت دریافت کرده باشد تا در حال حاضر بتوان مقداری از تقویت‌های او را به دلیل رفتار نامطلوبش کم کرد. همچنین جریمه نباید خیلی سنگین باشد تا کودک بتواند با اصلاح رفتار نادرست خود، آن را جبران کند. تفاوت دو روش محروم‌سازی و جریمه کردن این است که در روش محروم‌سازی، فرد مدتی از دریافت تقویت محروم می‌ماند، اما در روش جریمه کردن، مقداری از تقویت‌کننده‌هایی که قبلاً دریافت کرده از او پس گرفته می‌شود (همان: ۹).

روش پنجم: جبران کردن

در روش جبران کردن، وقتی یک فرد مرتکب رفتار نامطلوبی می‌شود از او خواسته می‌شود تا برای جبران عمل خلاف خود به اصلاح آن رفتار بپردازد (سیف، ۱۳۸۵: ۴۶۰)؛ مثلاً اگر کودکی وسایل دیگری را دزدیده باشد از او خواسته می‌شود تا وسایل او را برگرداند و از طرف مقابل عذرخواهی نماید.

نکته پایانی: گاهی قاضی دادگاه اطفال یا والدین و مربیان نمی‌توانند مستقلاً از یک روش کاهش رفتار برای اجرای تعزیر و تأدیب کودک بهره ببرند که در نتیجه، مناسب است با توجه

به سن و نوع جرم ارتكابی، از ترکیب چند روش بهره ببرند.

نقد و بررسی: آثار و عوارض نامطلوب روش‌های منفی کاهش رفتار، موجب شده است تا برخی از روان‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی، مانند دکتر علی‌اکبر سیف بگویند: باور قطعی داریم که چنانچه بتوان با روش‌های مثبت کاهش رفتار، همان کاری را کرد که با روش‌های منفی صورت می‌پذیرد، باید از روش‌های منفی دوری گزید (همان: ۴۵۸). در جواب باید گفت: این گروه از مخالفان به طرد کامل این روش‌ها نپرداخته‌اند؛ زیرا خود دکتر سیف در ادامه می‌گوید: با این حال ممکن است مواردی پیش آید که استفاده از روش‌های منفی کاهش رفتار، اجتناب‌ناپذیر باشد (همان: ۴۵۸). علاوه بر این، در شیوه‌های تعزیر و تنبیهی کودک اشاره به برخی روایات و آیاتی (نساء: ۳۴). شد که به مراتب تنبیه از ملایم به شدت اشاره دارد که در هر صورت تا امکان استفاده از روش‌های کم‌آسیب - مانند روش‌های مثبت کاهش رفتار نامطلوب - باشد، جایی برای روش‌های دیگر نیست. همچنین بسیاری از این معایب، حاصل عدم رعایت اصول صحیح اجرای روش‌های منفی می‌باشد و بسته به نوع جرم یا هنجارشکنی در امور اخلاقی باید به انتخاب روش‌های مثبت یا منفی کاهش رفتار کودک اقدام نمود و نمی‌توان به طور کامل از این روش‌ها صرف نظر نمود؛ برای مثال: نمی‌توان برای کودکی که دستش را داخل پریز برق می‌کند منتظر تنبیه طبیعی شد، بلکه باید با تذکر و گاه برخورد تند، او را متوجه کار اشتباهش کرد. همچنین کودکی که در مدرسه عمل زشتی انجام داده، اگر از روش محرومیت از محیط برایش استفاده نشود و همچنان در همان مدرسه تقویت دریافت کند، نمی‌توان به اصلاح و تربیت او اقدام نمود.

با توجه به مطالب فوق معلوم می‌گردد: روش‌های منفی کاهش رفتار دارای منافع و برخی از معایب بسته به شکل اجرا هستند که در هر صورت، نباید اصل این روش‌ها را کنار گذاشت، بلکه باید به اصلاح و رعایت قواعد روشی آنها پرداخت.

ب) روش‌های مثبت کاهش رفتار

در این روش‌ها به جای کاهش مستقیم رفتارهای نامطلوب، رفتار درست جایگزین رفتار

نامطلوب می‌گردد. به عبارت دیگر، کودک به انجام رفتار مطلوب تازه‌ای می‌پردازد و به دلیل این کار، تقویت دریافت می‌کند. در نتیجه به تدریج رفتار مطلوب جانسین رفتار نامطلوب خواهد شد (سیف، ۱۳۷۷: ۳۲۲).

روش اول: تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر

در این روش، هرگونه رفتار مطلوب کودک به جز رفتارهای نامطلوب او، تقویت می‌شود که در نتیجه، کودک رفتارهای متنوع زیادی را به جز رفتار نامطلوب انجام می‌دهد و برای آنها تقویت دریافت می‌کند (زارعی، ۱۳۸۷: ۹). به هر حال، این روش یکی از روش‌های مثبت کاهش رفتار است؛ زیرا عنصر اصلی آن تقویت است. امتیاز این روش آن است که به سرعت رفتار نامطلوب کودک را کاهش می‌دهد (سیف، ۱۳۸۵: ۴۵۶). مربی در این روش، کودک را به والدینش می‌سپارد و از آنها می‌خواهد تا برای خاموشی رفتار دروغ‌گویی، سایر رفتارهای مطلوب او را تشویق کنند تا در سایه تقویت آنها، رفتار نامطلوبش رو به خاموشی بگذارد.

روش دوم: تقویت تفکیکی رفتارهای ناهمساز

در این روش از طریق تقویت نکردن رفتار نامطلوب و تقویت رفتاری که با آن مغایر یا ناهمساز است، به کاهش رفتار نامطلوب اقدام می‌شود (همان: ۴۵۷). تفاوت این روش با روش قبلی در این است که در قبلی هرگونه رفتار به جز رفتار نامطلوب تقویت می‌شد، اما در روش پیش‌رو تأکید فقط بر تقویت رفتار مغایر و ناهمساز با رفتار نامطلوب است (همان)؛ برای مثال: کودکی که به علت بیش‌فعالی مزاحم فراگیری هم‌کلاسی‌های خود علم شده است، هرگاه به فعالیتی بپردازد که مانع بی‌نظمی او گردد و موجب شود که به کارهای خودش بپردازد، تنها در برابر آنها تقویت می‌گردد.

نتیجه

نتایج به دست آمده از این نوشتار، به شرح ذیل است:

۱. در فقه امامیه ترک بزهکاری و ناهنجاری‌های اخلاقی کودکان در قالب دو فرع فقهی تعزیر و تأدیب بیان شده است. تعزیر عقوبتی است که شارع برای آن اندازه‌ای معین نکرده و تعیین مقدارش را به دست حاکم سپرده است، ولی تأدیب با توجه به موارد کاربرد آن نزد فقها برای دو معنا: تربیت همراه با تنبیه، به عنوان وظیفه والدین در قبال فرزندان و معلم در قبال متعلم و یا تأدیب مترادف با تعزیر.

۲. بین فقیهان حداقل دو نظریه در مورد شیوه‌های تعزیر و تأدیب افراد وجود دارد:
اول: انحصار اجرای تعزیر و تأدیب به ضرب با تازیانه است که به ادله‌ای مانند: مضمون برخی روایات و اتفاق غالب فقیهان، استناد جسته است.

دوم؛ عده‌ای به ادله‌ای مانند: مفهوم لغوی تعزیر و تأدیب، آیه و روایاتی که بیانگر مصادیق مختلف اجرای آن دو هستند، تمسک جسته است.

از نظر این پژوهش دیدگاه اول پذیرفتنی نیست؛ زیرا این دسته روایات تنها به مصداق شایع این دو فرع فقهی اشاره داشته و برخی از فقیهان هم تردید در انحصار به ضرب کرده و معتقد به توسعه برای مصادیق تعزیر شده‌اند.

۳. عمده مباحث شیوه‌های اجرای تعزیر و تأدیب کودک بزهکار و هنجارشکن را در دانش روان‌شناسی می‌توان در بحث تغییر رفتار کودک و برخی از شیوه‌های منفی و مثبت کاهش رفتار نامطلوب - مانند تنبیه، جریمه، جبران، محرومیت و تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز - بررسی نمود. از نظر این پژوهش هر دو شیوه در بحث تعزیر و تأدیب کودک کارایی دارد و نباید آثار نامطلوب برخی از روش‌های منفی کاهش رفتار، موجب شود تا برخی از مریبان از اصل روش‌های منفی دوری گزینند؛ زیرا این گروه از مخالفان به طرد کامل این روش‌ها نپرداخته‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- ابن منظور، محمد، **لسان العرب**، بیروت، مؤسسه دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
- ازهری، ابی منصور محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- انصاری، قدرت‌الله و همکاران، **تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- اوزمن، هوارد، کراور، ساموئل، **مبانی فلسفی تعلیم و تربیت**، مترجم: متقی‌فر، غلام رضا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
- بستانی، فواد افرام، مهیار، رضا، **فرهنگ ابجدی**، تهران انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
- جعفری، محمدتقی، **رسائل فقهی**، تهران، نشر مؤسسه منشورات کرامت، ۱۴۱۹ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، بیروت، نشر دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم، مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- حسینی، داوود، **جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام**، قم، نشر پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱.
- حلبی، ابوالصلاح، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، **الکافی فی الفقه**، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ق.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، **مبانی تکملة المنهاج**، قم، نشر مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۲۲ق.

- _____، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، قم، مرکز نشر الثقافة الاسلامیة فی العالم، ۱۳۷۲.
- دشتی، محمد، مسئولیت تربیت و بررسی نقش زنان و مادران، قم، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- زارعی، طهمورث، تغییر رفتار، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۷۹، آبان ۱۳۸۷.
- زبیدی، مرتضی، تاج العروس، بیروت، نشر دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتار درمانی، تهران، نشر ویران، ۱۳۷۷.
- _____، روان شناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۵.
- شاملی، نصرالله، بررسی حدود و ثغور تنبیه، تعزیر و تأدیب کودک در فقه امامیه، فصل نامه فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و پنجم، ۱۳۹۰.
- صافی، لطف الله، التعزیر و انواعه و ملحقاته، قم، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۳.
- صدر، سید محمد، ما وراء الفقه، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق.
- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ق.
- طباطبایی، علی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم، چاپخانه مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
- عاملی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۵ق.
- کریمی، رمضان، بررسی و مقایسه اندیشه های تربیتی روسو با جان لاک، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اراک، ۱۳۸۵.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- محمدی، علی، شرح اصول استنباط، قم، انتشارات دارالفکر، چاپ سوم.

روش‌های تأدیّب کودک از نظر فقه و روان‌شناسی □ ۱۱۳

- مکارم، ناصر، *تعزیرات در روایات اسلامی*، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۲۸۶، ۱۳۶۶.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، *تحریر الوسیلة*، قم، نشر مؤسسه مطبوعات دار العلم، ۱۳۷۹.
- نجاشی، ابو الحسن، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۰۸ق.
- نفسی، علی‌اکبر، *فرهنگ نفسی*، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۴۳.